مطالعات تاریخ اسلام
سال شانزدهم، شمارهٔ ۶۲، پاییز ۱۴۰۳، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۲۹ -۵۲

کارکردهای سیاسی رشوه در مناسبات درونی عصر صفوی و پیامدهای آن

فرزاد خوش‌آب[۱]
علاءالدین شاهرخی[۲]

چکیده: یکی از مهم‌ترین تقدیمی‌ها در ادوار مختلف تاریخ ایران که دامنهٔ آن به دورهٔ صفویه کشیده شد، رشوه است. درواقع، استفاده از رشوه در مناسبات سیاسی درونی حکومت صفوی، از آغاز تا پایان عمر این سلسله تداوم داشت. در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که: کارکردهای سیاسی رشوه در مناسبات سیاسی درون حکومتی عصر صفوی چه بود؟ و چه پیامدهایی به‌دنبال داشت؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و یافته‌های آن نشان می‌دهد که رشوه در آغاز قدرت‌گیری صفویان نقش مهمی در پذیرش اطاعت حکام، تثبیت جایگاه شاه و تمرکز حاکمیت داشت. سپس در مناسبات شاهان صفوی با زیردستان نقش بسزایی در تصاحب مناصب، مشاغل و حفظ آنها ایفا می‌کرد که اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران، به‌ویژه ارامنه نیز از این قضیه مستثنی نبودند. در مقابل نیز شاهان صفوی از رشوه‌های تقدیمی حکام با شیوه‌هایی متنوع و متفاوت برای نمایش قدرت و ثروت خود در انظار عموم و همچنین سفرای خارجی بهره می‌بردند که این مسائل پیامدهایی از نظر اجتماعی و اقتصادی به دنبال داشت.

واژه‌های کلیدی: عصر صفوی، شاهان، رشوه، حاکمان محلی، اقلیت‌های مذهبی

10.221.16.62.4

۱ دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسندهٔ مسئول). farzad.69.fk@gmail.com
ORCID: 0009-0004-2137-1107

۲ استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. shahrokhi.a@lu.ac.ir
ORCID: 0000-0001-9041-1281

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 16, No 62, Autumn 2024
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 29-52

The Political Functions of Bribery in the Internal Relations of the Safavid Era and Its Consequences

Farzad Khoshab[1]
Allaudin Shahrokhi[2]

Abstract: Bribery was one of the most important offerings in different periods of Iranian history, which extended to the Safavid era. In fact, the use of bribery continued from the beginning up to the end of the Safavid epoch in the internal political relations of this dynasty. In this research, we aim to answer these questions: "What were the political functions of bribery in the internal political relations of the Safavid era?" and "What consequences did it have?" This research was conducted using a descriptive-analytical method and its findings show that bribery played an important role in accepting the obedience of the rulers, consolidating the position of the kings and centralizing the government at the beginning of the Safavids' rise to power. Afterwards, it played a significant role in the relations of the Safavid kings with their subordinates in terms of acquiring positions, jobs and maintaining them. Also, the religious minorities living in Iran, especially Armenians, were not an exception to this. In contrast, the Safavid kings used bribes offered by their rulers in various ways in order to display their power and wealth to the public and foreign ambassadors, which had its own social and economic consequences.

Keywords: Safavid era, kings, bribery, local governors, religious minorities.

10.221.16.62.4
1 PhD in History of post-Islamic Iran, Lorestan University, Lorestan, Iran (Corresponding author). farzad.69.fk@gmail.com
ORCID: 0009-0004-2137-1107
2 Professor, History Department, Lorestan University, Lorestan, Iran. shahrokhi.a@lu.ac.ir
ORCID: 0000-0001-9041-1281
Receive Date: 2024/08/23 Accept Date: 2024/10/01
Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

یکی از مهم‌ترین تقدیمی‌ها در ادوار مختلف تاریخ ایران رشوه بود. این تقدیمی در مراودات، تعاملات و روابط درون‌حکومتی از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کارکردهای متفاوتی داشت و به صورت رنجیره‌وار از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر انتقال یافت. در این بین، یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران ظهور و تأسیس سلسله صفوی بود که تقدیم رشوه در این دوره بیش از پیش اهمیت یافت.

پس از تأسیس حکومت صفوی در سال ۹۰۷ق، شاهان صفوی به‌ویژه در دورهٔ اول حاکمیت این سلسله، برای سرکوب مخالفان، تحکیم و تثبیت حکومت صفوی اقداماتی انجام دادند؛ به‌طوری که گاهی درگیری با مخالفان داخلی و دشمنان خارجی توأمان می‌شد؛ به همین علت سیاست‌ها و شیوه‌های متفاوتی از سوی شاهان صفوی برای سرکوب مخالفان داخلی و حفظ تمامیت ارضی در مقابل دشمنان خارجی در پیش گرفته می‌شد. یکی از مهم‌ترین شیوه‌های شاهان صفوی برای سرکوب مخالفان داخلی و پذیرش اطاعت زیردستان، دریافت رشوه از آنها بود. از این رو، در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی رشوه‌هایی که در پی رویارویی شاهان صفوی با مخالفان داخلی دریافت می‌شد، در شکل‌گیری سلسله‌مراتب ساختار قدرت، تثبیت جایگاه شاه به عنوان بالاترین مقام در این ساختار و همچنین پایان دادن به شورش‌ها و مخالفت‌ها علیه حکومت مرکزی مؤثر بود.

با تثبیت جایگاه شاه و حکومت صفوی، تقدیم رشوه در مراودات سیاسی بین صاحب‌منصبان، بزرگان کشوری و لشکری و شاه جنبه‌های متفاوت‌تری پیدا کرد. تلاش برای تقرب به شاه و تصدی مناصب درباری و غیردرباری، یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیاسی تقدیم رشوه از سوی بزرگان و اعیان به شاه بود که در پی آن نیز صاحب‌منصبان در اقصی نقاط قلمرو صفویان برای تحکیم موقعیت و جایگاه خود به این کار مبادرت می‌ورزیدند. ناگفته نماند که شاهان صفوی در قبال رشوه‌های تقدیمی شکوه، عظمت، قدرت و شوکت سلطنت خود را در عرصه‌های داخلی و خارجی نمایان می‌کردند. از طرفی روابط و تعاملات سیاسی اقلیت‌های مذهبی، به‌ویژه ارامنه با دربار صفوی سبب می‌شد طی مناسبت‌های مختلف برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود، رشوه‌هایی را از نظر شاه بگذرانند که از نظر سیاسی، علمی و اجتماعی تأثیرگذار بود. البته فارغ از کارکردهای سیاسی رشوه در عصر صفوی، باید اذعان کرد که تقدیم رشوه در مراودات سیاسی

عصر صفوی، پیامدهایی در عرصهٔ اقتصادی و اجتماعی به همراه داشت. در رابطه با رشوه و کاردکرهای سیاسی آن در عصر صفوی، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده، اما در پژوهش‌های جدید به صورت پراکنده و خیلی جزئی به ردّ و بدل شدن رشوه اشاره شده است. ویلم فلور[۱] در مراوادت صفویان با دول دیگر، به‌ویژه دربارهٔ مسائل اقتصادی به رد و بدل شدن رشوه اشاره کرده و رودی متی[۲] نیز به صورت خیلی گذرا از رشوه به عنوان یکی از تقدیمی‌های عصر صفوی یاد کرده است. از این رو، پژوهش حاضر با بررسی ابعاد مختلف رشوه در مراودات سیاسی درون‌حکومتی، دارای نوآوری است.

۱. انواع تقدیمی‌ها در عصر صفوی

در عصر صفوی تقدیمی‌های گوناگونی در مناسبات داخلی و خارجی رد و بدل می‌شد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- **تنسوقات**: عجایب و اشیای کم‌یاب که در زبان ترکی به معنی نادر است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۰۳۱/۵).
- **تحفه**: هدیه و ارمغان، سوغات، چیز بدیع و نفیس، نوآیین، نادر، کم‌یاب و نادر (معین، ۱۳۸۱: ۴۳۰/۱).
- **باج**: از ریشهٔ باج و باژ و باز و از ریشهٔ باجی پارسی باستان است و آن از ریشهٔ بج اوستایی به معنی پخش کردن و قسمت کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۹۱۰/۳).
- **ساوری**: تحفه، پیشکش و مرکب آن است و انعامی که در ازای خدمت می‌دهند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷/۹؛ معین، ۱۳۸۱: ۸۲۴/۱).
- «**هدیه**»: «تحفه و ارمغان و آن‌چه به‌کسی فرستند به رسم تحبیب و بزرگداشت» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۳۴۲۸/۱۵).
- «**رشوه**»: «آنچه بر کسی دهند. برای کار ناروا و غیرمشروع...» یا «دادن مالی به کسی برای انجام دادن مقصود» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۰۹۱/۸). همچنین طبق گزارش سیاحان فرنگی دورهٔ

---

۱ ویلم فلور (۱۳۷۱)، *اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: توس.

۲ رودی متی (۱۳۹۷)، *ایران در بحران*، ترجمهٔ خسرو خواجه‌نوری، تهران: امیرکبیر.

صفوی، رشوه به تقدیم هر چیزی در قبال انجام کاری معیّن گفته می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۳۵–۳۶، ۹۷، ۸۱؛ تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۹۷–۱۹۸؛ اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۴۶/۲؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۴۴–۴۵).

- **پیشکش**: «بخشیدن کوچکی چیزی را به بزرگی و تقدیم کردن کهتری چیزی را به مهتری» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۹۸۵/۴) و تقدیم کردن چیزی به کسی (معین، ۱۳۸۱: ۳۹۵/۱).
- **خلعت**: در تعریف خلعت نیز چنین آمده است: «جامه و جز آن که بزرگی مر کسی را پوشاند؛ و تن‌پوش که پادشاه و یا امیری مر نوکر خود را پوشاند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۹۱۷/۷) و «جامهٔ دوخته که بزرگی به کسی بخشد» (معین، ۱۳۸۱: ۳۶۴/۱).

۲. کارکردهای سیاسی رشوه در عصر صفوی

۲–۱. رشوه و عفو

با تأسیس حکومت صفویه ادعای خودمختاری، شورش، هرج‌ومرج و ناامنی در بسیاری از ایالات و ولایات آغاز شد؛ به همین دلیل شاه‌اسماعیل پس از تاج‌گذاری بلافاصله برای پایان دادن به مخالفت‌ها و ایجاد حکومتی تمرکزگرا، به سرکوب مخالفان و شورشیان در نقاط مختلف اقدام کرد. یکی از شیوه‌های او در مقابل دشمنان، پذیرش رشوهٔ عفو و امان از آنها و مردم تحت سیطره‌شان بود.

درواقع، ارسال رشوهٔ امان‌خواهی و پذیرش آن از سوی شاهان صفوی، در شرایط مختلف به کار گرفته می‌شد. یکی از مهم‌ترین زمان‌های استفاده از این شیوه، هنگامی بود که حکام شورشی پس از لشکرکشی شاه به منطقهٔ تحت حاکمیتشان فرار می‌کردند و پس از آن اهالی شهر با تقدیم رشوهٔ امان‌خواهی به شاه، از قتل و غارت جلوگیری می‌کردند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۴۲–۱۴۳، ۱۱۶). در این مواقع یکی از دلایل اصلی پذیرش رشوه امان‌خواهی را می‌توان عدم مداخلهٔ مردم ایالات شورشی در ایجاد شورش و ناامنی دانست.

در مواقعی نیز حکام پس از اعلام شورش و عدم توانایی در مواجهه با لشکر شاه، از طریق افراد بانفوذ درباری رشوه‌هایی را تقدیم می‌کردند و درخواست خود را مبنی بر طلب عفو و امان اعلام می‌کردند (*جهانگشای خاقان*، ۱۳۶۴: ۲۳۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۵۵/۴). درواقع، به کارگیری این سیاست را می‌توان در راستای پایان دادن به ناآرامی‌ها قلمداد کرد؛ به‌طوری که پس از

سرکوب مخالفان و شورشیان، پذیرش رشوه از سوی آنها می‌توانست از شورش‌های احتمالی در مناطق تحت سیطره‌شان جلوگیری کند. گاهی نیز حکام شورشی پس از شکست و ناکامی، با ارسال رشوه تقاضای عفو می‌کردند (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۱۹). بر همین اساس، شاه‌اسماعیل صفوی در مناطقی که حکام شورشی از قدرت و نفوذ بالایی برخوردار بودند، پس از سرکوب آنها با پذیرش رشوهٔ عفو مجدداً بر حاکمیت آنها صحه می‌گذاشت؛ زیرا کشتن و از میان برداشتن حکام بانفوذ می‌توانست شورش‌ها و ناامنی را در مناطق تحت سیطرهٔ آنها به همراه داشته باشد (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۳۴–۱۳۵، ۵۷۴–۵۷۵). در این زمان، پیش از مواجهه با دشمنان خارجی، به دلیل جلوگیری از تلفات و خستگی سپاه، رشوهٔ عفو و امان از سوی مخالفان داخلی و حکام شورشی بلافاصله از سوی شاه پذیرفته می‌شد (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۲۶۲–۶۲۳). به نظر می‌رسد اولویت شاه‌اسماعیل برای مقابله با دشمنان خارجی و حفظ تمامیت ارضی، ایجاب می‌کرد که با پایان دادن به غائلهٔ مخالفان داخلی بدون تلفات و درگیری، برای مقابله با دشمنان خارجی اقدام کنند.

با مرگ شاه‌اسماعیل و روی کار آمدن شاه‌طهماسب (حک: ۹۳۰–۹۸۴ق/ ۱۵۲۳–۱۵۷۶م)، مخالفان پس از مواجهه با لشکر شاه، سیاست فرستادن رشوهٔ امان‌خواهی را در پیش گرفتند. البته گاهی نحوهٔ برخورد شاه‌طهماسب با مخالفان در راستای گرفتن رشوهٔ امان‌خواهی، متفاوت بود. به این ترتیب که غالباً پس از سرکوب دشمنان و قتل و غارت مناطق آنها، به گرفتن رشوهٔ امان‌خواهی اقدام می‌شد (*عالم‌آرای شاه‌طهماسب*، ۱۳۷۰: ۵۱؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۲۶۸). همچنین گاهی ارسال رشوه‌های محقر نقش مهمی در پذیرفته شدن یا پذیرفته نشدن درخواست عفو و امان داشت. در این‌گونه قضایا نوع نگاه دربار به رشوه و جنس آن می‌توانست تأثیر زیادی در تصمیم‌گیری شاه داشته باشد (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲۷۶/۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۵۸/۴–۱۵۹). از طرف دیگر، شاه‌طهماسب نیز به مانند شاه‌اسماعیل پس از آنکه برای مقابله با ازبکان مهیا شد، در رویارویی با دشمنان داخلی و مردم شورشی بلخ، رشوهٔ عفو و امان آنها را پذیرفت (*عالم‌آرای شاه‌طهماسب*، ۱۳۷۰: ۳۲۳) پس از شاه‌طهماسب، در زمان محمد خدابنده (حک: ۹۸۴–۹۹۶ق/ ۱۵۷۶–۱۵۸۷م) و شاه‌عباس اول (حک: ۹۹۶–۱۰۳۸ق/ ۱۵۸۷–۱۶۲۸م) نیز این سیاست از سوی مخالفان تداوم یافت (منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۳).

۲-۲. رشوه و اطاعت

در سال ۹۰۷ق/۱۵۰۱م. شاه‌اسماعیل صفوی پس از تاج‌گذاری، اقدامات سرکوب‌گرانه‌ای برای پایان دادن به شورش‌ها و مخالفت‌ها انجام داد. به دنبال این اقدامات، برخی حکام شورشی با تقدیم رشـوهٔ اطاعت به او، تابعیت خود را اعلام کردند. به‌طور کلی در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی، رابطهٔ دو سویه بین رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده، نقش مهمی در تعیین جایگاه صاحب‌منصبان و ساختار سیاسی قدرت (ابتدای شکل‌گیری حکومت صفویه) داشت؛ چنان‌که هنگام سرکوب حکام شورشی توسط شاه‌اسماعیل صفوی، حکام سایر نواحی که در اطراف مناطق طغیانگر بودند، به منظور اظهار اطاعت و سرسپردگی، رشوه‌هایی را برای شاه ارسال می‌کردند (روملو، ۱۳۵۷: ۲۱۹/۱؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۱۷۹). در مواقعی نیز حکام شورشی از طریق مذاکره و پس از آن با ارسال رشوه، اطاعت و تابعیت خود را اعلام می‌کردند (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۹-۱۱۰). از طرف دیگر، تقدیم نکردن رشوه به شاه پس از حضور در مناطق فتح‌شده، مخالفت با حکومت مرکزی تلقی می‌شد و در نهایت به جنگ و سرکوب آنها می‌انجامید (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۴۶-۱۵۶).

گاهی برخی حکام با ارسال رشوه اطاعت، درصدد بودند از این شیوه به عنوان سپری برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود استفاده کنند تا در زمان مقتضی علیه حکومت مرکزی اقدام کنند (*جهانگشای خاقان*، ۱۳۶۴: ۲۸۱-۲۸۲). به‌طور کلی در زمان شاه‌اسماعیل حاکمان بسیاری از مناطق، از جمله سیواس (امینی هروی، همان، ۲۷۴)، دزفول (روملو، ۱۳۵۷: ۳۸۱/۱)، بتلیس (امینی هروی، همان، ۲۸۱؛ *جهانگشای خاقان*، ۱۳۶۴: ۲۶۰)، هرات (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۷۳/۴)، ترمذ (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۷۹)، لار و هرمز (شاملو، ۱۳۷۱: ۴۱/۱)، نور، کجور، رستم‌دار، مازندران (*جهانگشای خاقان*، ۱۳۶۴: ۲۱۱؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۱۷۹)، حسن‌آباد (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۹)، شوشتر (جنابذی، همان، ۲۱۸)، شکی (*جهانگشای خاقان*، ۱۳۶۴: ۶۰۶)، اهالی ماوراءالنهر (*جهانگشای خاقان*، ۱۳۶۴: ۴۲۱) و مازندران در سال ۹۱۶ق/۱۵۱۰م. با فرستادن رشوه (سی‌هزار تومان) اظهار اطاعت کردند. اظهار اطاعت حکام شورشی با ارسال رشوه در عصر شاه‌طهماسب نیز پس از فتح نواحی مختلف ادامه پیدا کرد (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۵)؛ به‌طوری که بعد از فتح بغداد سفرای حکام عرب با رشوهٔ اطاعت نزد شاه‌طهماسب آمدند (روملو، ۱۳۵۷: ۲۹۳/۱؛ *عالم‌آرای شاه‌طهماسب*، ۱۳۷۰: ۱۶۵). همچنین در سال ۹۹۷ق/۱۵۸۸م. حکام قلاع آمل، اولاد، سوادکوه، ساری، بیله‌رود،

بارفروش، نور، کجور، دماوند، هزارجریب با فرستادن رشوه برای شاه‌عباس، اظهار اطاعت کردند (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۶۶/۱–۱۶۷). در سال ۱۰۰۸ق/۱۵۹۹م، زمانی که شاه‌عباس به قصد تسخیر مرو حرکت کرده بود، اهالی دره‌گز، باغوا، نساء و باغوجوک با ارسال رشوه، اطاعت خود را نسبت به شاه‌عباس اعلام کردند (منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

۲–۳. رشوه و اقتدار شاه

در این دوره، شاهان صفوی به منظور بازنمایی قدرت و ثروت خود در سطح داخلی، از رشوه‌های تقدیمی به شکل‌های گوناگونی بهره می‌گرفتند. یکی از نمودهای اقتدار شاهان صفوی در استفاده از رشوه، بخشش این تقدیمی به زیردستان بود که یکی از دلایل اصلی این کار را می‌توان توجه زیاد مردم ایران به ظواهر دانست (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۸۶)؛ چنان‌که در زمان گردآوری رشوه‌ها با توجه به اینکه رقم بالایی به خود اختصاص می‌داد، شاهان صفوی با بخشش قسمتی از آنها به زیردستان، قدرت و عظمت خود را در بخشندگی نشان می‌دادند. این بخشش به‌ویژه در بزرگ‌ترین جشن و گردهمایی شاه و مردم در عید باستانی نوروز (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۱۸/۴) جلوه‌ای خاص پیدا می‌کرد (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۶۲–۳۶۳). یکی دیگر از سیاست‌های شاهان صفوی در این راستا، بی‌اعتنایی به رشوه‌های تقدیمی هنگام گذرانیدن آنها از مقابلشان بود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۹۴/۴). درواقع، شاهان صفوی با دیدهٔ حقارت و بی‌اعتنایی به رشوه‌های تقدیمی می‌نگریستند و با بی‌تفاوتی آنها را می‌پذیرفتند. سپس چنین وانمود می‌کردند که رشوه‌های تقدیمی قابل و لایق دیدن توسط آنها نیستند (شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۶۵۰/۲؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۸۷).

شاهان صفوی علاوه بر نمایش اقتدار خود در عرصهٔ داخلی (از طریق رشوه‌های تقدیمی)، درصدد بودند هنگام رویارویی با سفرای خارجی، شکوه و عظمت سلطنت خود را نمایان کنند (ممبره، ۱۳۹۷: ۲۳۴–۲۳۵). از این رو یکی از شیوه‌های آنها هنگام باریابی سفرای خارجی، استفاده از رشوه‌ها و اشیای قیمتی بود (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۸۶؛ تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۳۸). بر مبنای همین سیاست، زمانی که سفرای خارجی در ایران حضور داشتند، برای نمایش رشوه‌های تقدیمی حکام و صاحب‌منصبان، تمهیدات و تدارکات ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۸۶). گاهی نیز رشوه‌های تقدیمی را از منطقه‌ای به منطقه‌ای که سفرا شرف‌یاب می‌شدند، انتقال می‌دادند (دلاواله، همان، ۲۵۷). درواقع، شاهان صفوی در مقابل سفرای خارجی حتی از رشوه‌های ناچیز

برای نمایش اقتدار خود دریغ نمی‌کردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۰؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۷۸).

البته گاهی رشوه‌های ارسالی از نواحی مختلف، علی‌رغم کم‌اهمیت بودن به لحاظ قیمت و ثروت، در نمایش اقتدار سیاسی و نظامی شاهان صفوی هنگام شرف‌یابی سفرای خارجی اهمیت ویژه‌ای داشتند. در این باره درگیری‌های مداوم صفویان با دول ازبک و عثمانی و فرستادن اسرا و سرهای بریدهٔ آنها توسط حکام مرزی، به عنوان نوعی رشوه برای شاه (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۳۳) تأثیرگذار بود؛ چنان‌که شاهان صفوی هنگام حضور سفرای خارجی با نوع رفتار خود در قبال اسرا و سرهای بریده به عنوان رشوه، سعی داشتند به نوعی اقتدار سیاسی و نظامی خود را در مواجهه و رویارویی با دشمنان نشان دهند؛ به همین علت در زمان شاه‌عباس و جانشینان او، این‌گونه رشوه‌ها را پیشاپیش هدایای سفرای خارجی از نظر می‌گذرانیدند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۷۰؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۳۱۹؛ فن دریابل، ۱۳۵۱: ۱۵۶، ۱۶۲؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۶۵۵/۲-۶۵۶؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۶۴۱/۲).

در اقدامی متفاوت، شاهان صفوی به منظور القای شکوه و عظمت سلطنت خود، سعی داشتند خروج سفرای خارجی از مرزهای ایران را با یکی از اعیاد و جشن‌های بزرگ همچون نوروز مصادف کنند تا از این طریق سفرای خارجی شاهد و نظاره‌گر رشوه‌های تقدیمی بی‌شمار و ارزشمند به آنها باشند (فیدالگو، ۱۳۵۷: ۶۹).

۲-۴. رشوه در خدمت نخبگان محلی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیاسی رشوه برای حکام به‌ویژه حکام سرحدّی، استفاده از آن در زمان‌ها و موقعیت‌های مناسب برای تحکیم جایگاه و نمایش شکوه و عظمت حاکمیتشان در مناطق مختلف بود. در دورهٔ صفویه حکام و صاحب‌منصبان در ایالات و ولایات مختلف همواره در مناسبت‌های گوناگون رشوه‌هایی به شاه تقدیم می‌کردند، اما حکام سرحدی به دلیل درگیری‌های مداوم با دشمنان و همسایگان در شرق و غرب، درصدد بودند از طریق ارسال رشوه‌های خاص برای شاه، اقتدار خود را در منطقهٔ تحت حاکمیتشان نشان دهند. از این رو آنها در طول سال علاوه بر رشوه‌های جنسی و نقدی، اسرا و سرهای بریدهٔ دشمنان صفویان در شرق و غرب را به عنوان رشوه برای دربار ارسال می‌کردند. باید اذعان کرد که هدیهٔ سر بریدهٔ دشمن به شاه، یکی از رسوم قدیمی در ایران بود (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶۱) که فرماندهان جنگی پس از غلبه بر

دشمن، به عنوان رشوه به شاه تقدیم می‌کردند (فلور، ۱۳۹۸: ۸۵). به کارگیری این شیوه، نوعی خدمت به شاه محسوب می‌شد (*سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ۱۳۸۱: ۴۴۶) و گاهی برای گرفتن جایزه و لطف شاه انجام می‌شد (همان، ۱۳۸۱: ۴۶۸). بنا بر گزارش منابع این دوره، شاهان صفوی در برخی موارد هنگام رویارویی با دشمن برای آوردن سر دشمن جایزه تعیین می‌کردند تا از این طریق انگیزهٔ سپاهیان را برای مقابله بیشتر کنند و به نوعی آنها را برای نبرد تهییج کنند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۳۱۳). از این رو، بنا بر اهمیت این موضوع حکام به منظور نمایش قدرت نزد شاه و همچنین نمایش نمادینِ غلبه بر دشمنان، از این شیوه استفاده می‌کردند.

در عصر صفوی جشن نوروز یکی از مهم‌ترین زمان‌های تقدیمی‌ها به‌ویژه رشوه به شاه بود که تمامی ارکان حکومت و همچنین سفرای خارجی در آن حضور داشتند؛ به همین علت حکام و صاحب‌منصبان تلاش می‌کردند هنگام برپایی جشن نوروز، رشوه‌های خاص خود شامل سر و اسیر را با تمهیدات ویژه‌ای به شاه تقدیم کنند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶۰–۱۶۱). از سوی دیگر، هنگام تقدیم این‌گونه از رشوه‌های خاص، زمانی که سرهای بریده‌شده و اسرا از افراد نامی یا سرداران نیروهای دشمن بودند، با جلال و شکوه ویژه‌ای آنها را در مقابل شاه عبور می‌دادند تا فتح و ظفر خود را در مقابل دشمنان بیشتر جلوه‌گر سازند؛ به‌طوری که در زمان شاه‌عباس، حسین‌خان حاکم سرحدی بغداد به همراه یکی از امرای خود به نام کاظم‌سلطان هدایایی (رشوه‌هایی) از این نوع را برای او ارسال کردند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱–۱۶۰). بر همین اساس، در زمان شاه‌صفی (حک: ۱۰۳۸–۱۰۵۸ق/ ۱۶۲۸–۱۶۴۸م) در سال ۱۰۴۳ق/۱۶۳۳م. از طرف حکام نواحی مختلف از جمله حاکم هرات، امیر حمزه‌خان حاکم سیستان، وزیر خراسان خان احمدخان اردلان نیز سر و زنده‌هایی که در جنگ موصل گرفته بودند، به شاه تقدیم کردند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۰).

اهمیت تقدیم این نوع رشوه (در تحکیم جایگاه حکام سرحدی) به گونه‌ای بود که عامل مهمی در وارونه جلوه دادن حوادث هنگام رویارویی حکام سرحدی با دشمنان بود؛ به‌طوری که پس از درگیری با دشمنان و دادن تلفات زیاد، فرستادن سر اسیر به عنوان رشوه می‌توانست وقایع را وارونه و کم‌رنگ جلوه دهد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۷۹–۸۰).

یکی دیگر از زمان‌های نمایش اقتدار حکام با تقدیم رشوه، هنگامی بود که سفرای دولت‌های خارجی در ایران حضور داشتند (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۵۰/۲) (جدول شمارهٔ ۱)؛ چنان‌که حکام و

صاحب‌منصبان پس از غلبه بر دشمنان، هنگامی که از حضور سفرای کشورهای دشمن در ایران مطلع می‌شدند، به ارسال رشوه‌هایی از نوع سر و اسیر برای شاه اقدام می‌کردند. درواقع، هدف از تقدیم این نوع رشوه در زمان حضور سفرای خارجی، نمایاندن قدرت، اقتدار و فعالیت‌های نظامی نمایندگان شاه در مواجهه با دشمنان بود. برای نمونه، در زمان شاه‌طهماسب (۹۶۸ق/۱۵۶۰م) پس از آنکه علی‌پاشا و حسن‌آقا برای تحویل بایزید عثمانی به ایران آمدند، شاهوردی‌سلطان زیاداوغلی در جنگی بر لوندخان گرجی غلبه یافت و او را به قتل رساند. سپس زمانی که سفرای عثمانی نزد شاه‌طهماسب شرف‌یاب شدند، سر او را به همراه اسرای دیگر به شاه رشوه دادند (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۶).

۲-۵. رشوه و گرفتن منصب

در دورهٔ اول حکومت صفویان، انتصاب حکام و صاحب‌منصبان از هر درجه، حق مطلق شاه بود و به بیان دیگر همواره این مهم با صدور فرمان شاهی انجام می‌گرفت (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۴۳؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۹؛ *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ۱۳۸۱: ۴۷۰؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۵؛ بیات، ۱۳۳۸: ۶۹) که عوامل مؤثری چون خدمت شایسته و وفاداری به شاهان صفوی (ممبره، ۱۳۹۷: ۲۳۶؛ *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ۱۳۸۱: ۴۷۱) و شجاعت و دلاوری در جنگ علیه دشمنان خارجی (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۴۷۴/۲، ۷۸۹) سهم بسزایی در تصدی مناصب گوناگون داشتند.

در این بین، یکی از عوامل مؤثر در تصدی مناصب، تقدیم رشوه‌های ارزشمند به شاه و دربار بود (منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۹۴) که بنا بر گزارش شاردن «در ایران مانند برخی از جاها و کشورهای دیگر کار و شغل با مشکل‌گشای تقدیم تحفه‌های مناسب و لایق به دست می‌آید» (شاردن، ۱۳۷۲-۱۳۷۵: ۱۲۰۹/۳)؛ چنان‌که در دورهٔ شاه‌اسماعیل صفوی تقدیم رشوه‌های بیشتر از سوی افراد ذی‌نفوذ در مناطق مختلف، عامل مهمی در عزل و نصب‌های پی‌درپی بود (مرعشی، ۱۳۶۴: ۹۰، ۹۳، ۹۸).

از این منظر، یکی از راه‌های رسیدن به منصب و جلب نظر شاه، تقدیم رشوه‌هایی همسو با علایق شاهان صفوی بود. برای نمونه، شاه‌طهماسب به زن و زر علاقهٔ زیادی داشت و به گزارش دالساندری: «زنان در مزاج او چنان تأثیری دارند که وی مدتی دراز نزد ایشان می‌ماند و با آنان در مصالح مملکت خوز و غور و مصلحت می‌کند...» (*سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ۱۳۸۱:

۴۶۷)؛ به همین علت در میان اعیان، بزرگان و افراد بانفوذ، کسانی بودند که برای تصدی احتمالی مناصب حاضر بودند دختران خود را در قالب رشوه به شاه تقدیم کنند تا نزد او تقرب یابند (ممبره، ۱۳۹۷: ۲۲۸). درواقع، این‌گونه رشوه‌ها با تأثیری که بر مزاج و شخصیت شاه داشت، عاملی مهم برای ترقی و تصدی منصب محسوب می‌شد.

علاوه بر موارد گفته‌شده، زمانی که افراد شورشی در نواحی مختلف حکام محلی را برکنار می‌کردند، برای جلب نظر و تأیید شاه و همچنین مشروعیت‌بخشی به حاکمیت خود، رشوه‌هایی به دربار ارسال می‌کردند (مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۵۳؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۶۲–۵۶۳، ۶۲۶–۶۲۸)؛ از جمله در زمان سلطان محمد خدابنده (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۲۶–۶۲۸). همچنین بزرگان و اعیان پس از حضور در دسته‌بندی‌های سیاسی، زمانی که به مقصود مورد نظر خود نمی‌رسیدند، با فرستادن رشوه برای دستهٔ مقابل، سعی در پیشبرد اهداف خود داشتند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۸۰۹–۸۱۰).

حجم و مقدار رشوه‌های تقدیمی به شاه به‌ویژه در عید نوروز (که بزرگ‌ترین جشن ملی ایرانیان به حساب می‌آمد) نقش مهمی در تصدی مناصب حکومتی داشت (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۲۵/۱). از این رو همواره بزرگان و اعیان در طول مراسم نوروزی رشوه‌های خود را که بیشتر شامل طلا بود، در مقابل شاه عبور می‌دادند و هیچ‌یک از آنها انجام دادن تمهیدات مربوط به شرکت در این مراسم را فراموش نمی‌کردند (سانسون، ۱۳۴۶: ۴۵؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۴۲۵/۱).

در سطوح پایین‌تر نیز هنگام عزل حکام در مناطق مختلف، افراد ذی‌نفوذ در آن منطقه از طریق مکاتبه و ارسال رشوه، سعی می‌کردند جایگزین حاکم معزول شوند؛ چنان‌که در سال ۱۱۰۱ق. پس از عزل حاکم کرمان، حاتم‌بیگ از طریق مکاتبه با دربار و ارسال رشوه‌های مخصوص آن ولایت، به صدارت کرمان رسید (مشیزی بردسیری، ۱۳۶۹: ۵۹۱).

۲-۶. رشوه و حفظ منصب

در دورهٔ صفویه یکی از مهم‌ترین تمهیدات صاحب‌منصبان و حکام ایالات و ولایات برای ابقا در منصب، تقدیم رشوه به شاه بود که عواملی چون نوع رشوه، چگونگی تقدیم آن و همچنین زمان رونمایی و گذرانیدن آن از نظر شاه تأثیرگذار بود. در عصر صفوی معمول‌ترین و مهم‌ترین زمان تقدیم رشوه به شاه از سوی صاحب‌منصبان و حکام، هنگام برپایی جشن عید نوروز و جلوس

شاه جدید بر تخت سلطنت بود. در این جشن‌ها به‌ویژه عید نوروز (ترکمان، ۱۳۵۰: ۵۰۶/۱؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۳۹–۵۴۰؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۳۱۲؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۹) صاحب‌منصبان و حکام رشوه‌هایی را از بهترین نوع آن، شامل جواهر، پارچه‌های گران‌بها، عطرهای خوشبو یا چیزهای کمیاب (شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۴۵۲/۱) به شاه تقدیم می‌کردند تا از این طریق رضایت او را جلب و موقعیت و جایگاه خود را تثبیت کنند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۹۷؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۲، ۱۵۹–۱۶۰).

بعد از جشن عید نوروز، جلوس پادشاه جدید بر تخت سلطنت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جشنی بود که طی آن رشوه‌های زیادی به شاه تقدیم می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۳۱). درواقع، شاهان صفوی هنگام تاج‌گذاری و جلوس بر تخت سلطنت، مختار بودند صدراعظم و تمام اولیای امور کشوری و لشکری را در مقام خود نگه دارند یا عزل کنند؛ به همین دلیل هر یک از بزرگان و صاحب‌منصبان سعی می‌کردند از راه‌های مختلفی چون حمایت از شاه جدید در زمان ولیعهدی، فداکاری و دادن رشوه در زمان جلوس، جایگاه و مقام خود را تثبیت کنند (ترکمان، ۱۳۵۰: ۲۰۷/۱). در درجات پایین‌تر، طی برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی که با حضور شاه در نواحی مختلف برگزار می‌شد (جنابذی، ۱۳۷۸: ۳۱۲)، صاحب‌منصبان و حکام رشوه‌هایی را تقدیم می‌کردند (ممبره، ۱۳۹۷: ۸–۲۲۷).

حکام و صاحب‌منصبان علاوه بر تقدیم رشوه در روزهای معمول، در زمان‌های دیگر نیز برای تثبیت و تحکیم جایگاه خود، به تقدیم رشوه اقدام می‌کردند. به این ترتیب برخی حکام با آگاهی از سلایق شاهان صفوی، رشوه‌های مورد نظر آنان را ارسال می‌کردند و موجبات خشنودی‌شان را فراهم می‌کردند. برای نمونه علاقهٔ شاه‌عباس به طلا، جواهر و اشیای قیمتی عاملی مهم در تقدیم این نوع رشوه به او بود (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۸۷). یکی دیگر از موردپسندترین رشوه‌های تقدیمی به شاهان صفوی، دختران و زنان زیبارو بودند که حکام نواحی مختلف به منظور تثبیت موقعیت خود، به تقدیم آنها اقدام می‌کردند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۳؛ اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۳۷/۲).

تقدیم رشوه‌های فوق‌العاده به شاه، یکی دیگر از شیوه‌های حکام برای حفظ و ابقا در منصب بود. رشوه‌های فوق‌العاده، چیزهای نادر و کمیابی بودند که در مناطق تحت سیطرهٔ حکام در نواحی مختلف متفاوت بودند. بر همین اساس، گاهی حکام محصولات کمیاب (تاورنیه، ۱۳۹۹:

۱۹۸) و حیوانات عجیب و نایاب در منطقهٔ تحت حاکمیتشان را به دربار ارسال می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۱۲۴۶/۳–۱۲۴۷) (جدول شمارهٔ ۱).

گاهی صاحب‌منصبان پس از اقدامات نظامی و پایان دادن به مخالفت‌ها، بلافاصله برای تثبیت موقعیت خود، رشوه‌هایی به شاه تقدیم می‌کردند (ممبره، ۱۳۹۷: ۲۴۹–۲۵۰؛ منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۱۹۹). حتی در زمان انتصاب حکام جدید، به محض ورود آنها به منطقهٔ مورد نظر، بزرگان و اعیان و زیردستان برای حفظ جایگاه خود، به تقدیم رشوه اقدام می‌کردند (جنابذی، ۱۳۷۸: ۲۹۶). همچنین زمانی‌که ولیعهد برای برپایی جشن جلوس به سمت پایتخت حرکت می‌کرد، حکام برخی نواحی در میانهٔ راه با دادن رشوه پیش از آغاز سلطنت، قصد داشتند جایگاه خود را تحکیم کنند (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۶۶۰/۲). در مواقع اضطراری و در زمان جنگ، رشوه دادن به منظور رهایی سپاه از مضیقه، نقش مهمی در توجه شاه به صاحب‌منصبان و تثبیت موقعیت آنها داشت (جنابذی، ۱۳۷۸: ۴۲۵).

از طرفی در ایران عصر صفوی مناصب به صورت موروثی و مادام‌العمر واگذار می‌شد و تنها در صورت خیانت و جنایت منصب از افراد گرفته می‌شد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۵؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۰). بر همین اساس، یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیاسی رشوه، استفاده از آن برای جلوگیری از خشم شاه و عدم برکناری از منصب بود؛ به همین علت آن دسته از صاحب‌منصبانی که در معرض اتهام یا خشم شاه قرار می‌گرفتند، با فرستادن رشوه‌های لایق می‌توانستند علاوه بر دفع اتهام، نظر او را جلب و تقرب یابند (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۴۶۹/۲). همچنین حکامی که پس از چندین بار شورش سرکوب می‌شدند، از طریق تقدیم رشوه مجدداً جایگاه خود را تثبیت می‌کردند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۱). از طرفی حکام به‌ویژه حکام سرحدی با ارسال رشوه‌هایی از نوع سر و اسرای دشمنان صفویان در مرزهای شرقی و غربی، سعی می‌کردند از طریق نمایشی نمادین از قدرت خود در حفظ مرزها، جایگاه و موقعیت خود را تحکیم کنند؛ به‌طوری که حکام لرستان (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶۰–۱۶۱)، خراسان (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۰؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶۰–۱۶۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۷۰)، هرات و سیستان (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۰) پس از درگیری با نیروهای ازبک و عثمانی در طول سال و طی مناسبت‌های مختلف، سرها و اسرایی را به شاهان صفوی رشوه می‌دادند.

جدول شماره ۱

ردیف	رشوه دهنده	رشوه گیرنده	نوع رشوه	منبع
۱	قزاق‌خان حاکم شیروان	شاه‌صفی	یک دست بحری توقون	خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۲
۲	منوچهرخان حاکم مشهد	شاه‌صفی	یک دست شنقار	خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۲
۳	خان ایروان	شاه‌صفی	کره اسبی نادر و نایاب	تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۷۷
۴	حاکم عربستان	شاه‌عباس دوم	شیر	وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۵۳
۵	حاکم شیراز	شاه‌عباس دوم	گورخری با موی قرمز	تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۸۲
۶	حاکم شیراز	شاه‌سلیمان	اسب زیبا	تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۹۸
۷	یک حاکم	شاه‌سلیمان	دوازده باز شکاری	کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۶

۲-۷. رشوه و ارامنه

در این دوره، یکی از اقلیت‌های بانفوذ در ایران ارامنهٔ جلفا بودند که به سبب ارتباط با دربار، همواره رشوه‌هایی را به شاه تقدیم می‌کردند. درواقع، حضور اقلیت‌ها در جامعهٔ ایران سبب می‌شد برای رسیدن به مقاصد خود و همچنین کنار زدن رقبای سیاسی و مذهبی، رشوه‌هایی به شاه و دربار تقدیم کنند؛ به‌طوری که ارامنه در این دوره برای شرف‌یابی و ابراز خواسته‌های خود، رشوه‌هایی را طبق رسم به شاه تقدیم می‌کردند. درواقع، نقش شاه و درباریان در انتصابات مقامات جلفا سبب می‌شد آنها برای به دست آوردن منصب، حفظ آن و کنار زدن رقبا، رشوه‌هایی را تقدیم کنند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۱۹).

۳. پیامدهای اجتماعی و اقتصادی رشوه‌های تقدیمی

با توجه به اینکه در مناسبات سیاسی درونی حکومت صفوی، تقدیم رشوه یکی از مهم‌ترین شیوه‌های رسیدن به مقاصد گوناگون بود، بزرگان، اعیان و صاحب‌منصبان همواره به تقدیم آن

اقدام می‌کردند که این امر پیامدهایی از نظر اقتصادی به همراه داشت.

در عصر صفوی، هنگام برپایی جشن عید نوروز با توجه به حجم وسیع رشوه‌های ارسالی، صاحب‌منصبان و حکام با مشکلاتی مواجه بودند. آنها برای رجحان بر یکدیگر در جلب رضایت شاه، تلاش می‌کردند رشوه‌های ارسالی خود را در نظر او به عالی‌ترین نحـو ممکن جلوه‌گر کنند؛ به همین علت رشوه‌های کلانی را به صاحب‌منصبان درباری تقدیم می‌کردند تا آنها را در رسیدن به مقصود یاری کنند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۹۷؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۲، ۱۵۹–۱۶۰)؛ به‌ویژه در دورهٔ دوم حکومت صفویان ضعف شاهان و قدرت‌گیری صاحب‌منصبان و همچنین نقش تأثیرگذار آنها در عزل و نصب‌ها (کمپفر، ۱۳۶۳: ۳۵)، باعث شده بود رشوه‌های کلانی دریافت کنند. در این زمان صدراعظم یکی از مهم‌ترین ارکان دولت بعد از شاه، قدرت فزاینده‌ای یافت؛ به گونه‌ای که بسیاری از انتصابات توسط او انجام می‌شد (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۴۵/۲–۷۴۶؛ شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۴۲۱/۱، ۱۲۵۴/۴). درواقع، نقش تأثیرگذار او در تصـدی مناصب و تحکیم جایگاه صاحب‌منصبان، عامل مهمی در گرفتن رشوه از بزرگان و اعیانی بود که طالب مقام و در پی تثبیت جایگاه خود بودند (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۴۶/۲–۷۴۷؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۴۴). علاوه بر صدراعظم، ناظر نیز که در رأس کارکنان دربار قرار داشت، با گرفتن رشوه در انتصابات و ابقای افراد در مناصب نقش مهمی ایفا می‌کرد (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۱۱–۲۱۲؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۷)؛ به‌طوری که بزرگان «... با مشت‌هایی پر از طلا به حضور ناظر روی می‌آوردند» (کمپفر، همان، همان‌جا).

با این اوصاف، نتیجهٔ رشوه‌گیری‌های کلان صاحب‌منصبان درباری و تداوم چرخهٔ فساد اقتصادی حاصل از آن، باعث می‌شد رعایا در نواحی مختلف فشار اقتصادی زیادی را تحمل کنند؛ چنان‌که صاحب‌منصبان برای تأمین منابع مالی مربوط به تقدیم رشوه به دربار و رشوه‌های کلان به صاحب‌منصبان درباری (کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۳)، از ظلم و ستم بر رعایا و استثمار آنها فروگذار نمی‌کردند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۴۳؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۹–۱۶۰؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۴۴؛ اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۴۵/۲؛ شاردن: ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۱/ ۴۲۱، ۱۱۷۸/۳، ۱۲۵۳/۴–۱۲۵۴). همین امر عامل مهمی بود تا رعایا در پی تحمیل فشار مالی حکام بر آنها، برای تظلم و دادخواهی به دربار و شاه روی بیاورند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۹۸). البته ارتباط حکام با صاحب‌منصبان ذی‌نفوذ درباری همراه با تقدیم رشوه‌های کلان به آنها، عملاً از تلاش رعایا برای تظلم‌خواهی نزد شاه جلوگیری می‌کرد و

همین امر از دو سو حائز اهمیت بود: ۱. حکام و صاحب‌منصبان درباری با تحمیل فشار بر رعایا ثروت‌های کلانی به چنگ می‌آوردند؛ ۲. اهمیت ارتباط حکام و صاحب‌منصبان درباری باعث می‌شد رعایا همواره در معرض استثمار باشند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۳۵–۳۶، ۸۲، ۱۵۹–۱۶۰؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۴۴، ۱۸۱–۱۸۵؛ تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۴۳).

از طرف دیگر، ارتباطات ارامنه با اروپا عاملی مهم در تحمیل رشوه‌های اجباری از سوی شاهان صفوی بر آنها بود. به گزارش تاورنیه، ارامنه شیوهٔ پروار کردن خروس اخته را از اروپا به ایران آوردند. سپس با تقدیم نمونه‌هایی از آنها به شاه، طبق دستور موظف شدند سالیانه تعداد زیادی از آنها را به شاه رشوه بدهند. از دیگر حیواناتی که شاه رشوهٔ آنها را بر ارامنه تحمیل کرد، بوقلمون‌هایی بودند که ارامنه هنگام تجارت در ونیز به اصفهان آورده بودند. شاه پس از استفاده از این رشوه‌ها، دستور داد سالیانه تعدادی از آنها را در قالب رشوه به او تقدیم کنند. البته سختی‌های مربوط به این کار سبب شد ارامنه در مراقبت از این حیوانات کوتاهی کنند و باعث مرگ‌ومیر آنها شوند. تاورنیه در مورد سخت‌گیری دربار برای وصول این رشوه، گزارش داده است که به علت کوتاهی ارامنه در مراقبت از این حیوانات، دستور داده شد که لاشه‌های آنها را بر در خانه‌ها بیاویزند؛ به‌طوری که اقدام ارامنه باعث شد تاورنیه با تعجب از منظرهٔ لاشهٔ جوجه بوقلمون‌های آویخته بر در خانه‌های جلفا یاد کند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۳۱).

درواقع، ارامنه برای خوشایند شاه و تقرب به او تدابیر و تمهیدات ویژه‌ای به کار می‌بستند و در مواقعی با توسل به زور دختران و زنان نواحی مختلف را روانهٔ دربار می‌کردند. کمپفر در زمان شاه‌سلیمان صفوی با گزارشی در این رابطه نقش ارسال رشوه‌های مورد علاقهٔ شاهان صفوی (زنان و دختران زیبارو) را در تثبیت جایگاه حکام و صاحب‌منصبان تشریح کرده است. او گزارش داده است که: «علاقه به لذات شهوانی که در این مملکت شیوع دارد در زمان شاه‌سلیمان شدت و حدت بیشتری دارد. وی هر چه به قامت زنان شباهت داشته باشد بی‌اندازه دلبستگی دارد. عطش او را به گردآوری طلا نسبت به هوس‌های شهوانی او زودتر می‌توان کنترل کرد. هرچند که حکام اطراف و اکناف کشـور برای وی رکاب‌های نقره، پارچه‌های گران‌بها، اسب‌های اصیل، قاطر و شتر می‌فرستادند، با وجود این همه متفق‌القول‌اند که هدایای (رشوه‌های) سالانهٔ نایب شروان واقع در مشرق قفقاز بیشتر از همهٔ اینها مطبوع شاه قرار می‌گیرد. او با آگاهی کامل از علایق شاه، به جای سایر هدایا (رشوه‌ها) زیباترین دختران و پسران را که جاسوسانش

در سرزمین‌های چرکس، داغستان و گرجستان کشف و جمع‌آوری می‌کردند، برای شاه ارسال می‌کرد. او در پیشهٔ خود سخت کارکشته است و در کار یافتن زیباترین مخلوق خدا از هیچ مجاهدتی دریغ نمی‌کند. او خواجگان خود را به همه جا می‌فرستد که هر جا با آدمیزاد خوش‌اندامی برخورد کردند، به نرمی یا با تطمیع یا به زور وی را جلب کنند و تقدیم ارباب خود دارند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۶۲–۶۳). به دنبال این قضایا، حرم شاهان صفوی از این نظر که گروهی از خوب‌روترین، طنازترین، خوش‌اندام‌ترین و هوس‌انگیزترین زنان در آن گرد آمده بودند، بی‌مانند است؛ زیرا حاکمان هر نقطه از کشور زیباترین و دلبرپسندترین دختران را به دربار می‌فرستادند و هر جایی که دختری لایق دربار پیدا می‌شد، بلافاصله او را به عنوان رشوه به شاه تقدیم می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۱۳۱۵/۴).

به‌طور کلی هوس شاهان صفوی در طلب زیبارویان، علاوه بر مردم عادی برای اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه ارامنه نیز مشکلات زیادی به بار آورد (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۱۶؛ اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۳۷/۲–۷۳۸). با توجه به اینکه در سراسر مملکت به طمع جاه و مقام، زیبارویان به دربار و حرم شاه ارسال می‌شدند، ارامنه نیز از این امر مستثنی نبودند. این عمل از سوی صاحب‌منصبان باعث می‌شد خانواده‌های ارمنی برای جلوگیری از رشوه شدن دخترانشان به حرمسرای شاه، تمهیداتی به کار گیرند؛ به‌طوری که ارامنه از ترس گرفتار شدن به این بلا، فرزندان و دختران خود را در همان کودکی عقد یا نشان می‌کردند تا از این طریق آنها را از رفتن به حرمسرا مصون بدارند (شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۱۳۲۹/۴؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۰۶؛ تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۶۶؛ اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۳۷/۲–۷۳۸). البته گاهی تمهیدات ارمنی‌ها در این زمینه نتیجه‌ای به دنبال نداشت و نمی‌توانست مانع از ورود دختران و حتی زنان شوهردار به حرم شاه شود (شاردن، ۱۳۷۲–۱۳۷۵: ۱۳۲۹/۴). برای نمونه، در زمان شاه‌عباس صفوی «خواجه جعفر» یکی از بزرگان ارامنه، برای خوشایند شاه هنگام ورود او به شهرک همهٔ زنان زیبای شهرک را جمع کرد و برخلاف میل شوهر و پدرانشان آنها را به شاه تقدیم کرد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۱۹).

همچنین گاهی شاهان صفوی افرادی را مجبور می‌کردند زیبارویان ارمنی را به حرم آنها بیاورند (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۷۳۷/۲–۷۳۸) و حتی از آوردن زنان صاحب‌منصبان جلفا به حرم خود دریغ نمی‌کردند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۱۵). به‌طور کلی روابط دربار با اقلیت‌ها به گونه‌ای بود که در بیشتر مواقع رشوهٔ اجباری بر آنان تحمیل می‌کردند؛ چنان‌که هر یک از صاحب‌منصبان

ارامنه برای رسیدن به مقاصد خود، ناگزیر بودند رشوه‌های کلانی تقدیم کنند. از طرفی رشوه‌های تقدیمی اقلیت‌ها به واسطهٔ ارتباطات گستردهٔ آنها با مناطق مختلف جهان، تا حدودی می‌توانست بر آگاهی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شاه و درباریان از جهان پیرامون بیفزاید.

نتیجه‌گیری

با شکل‌گیری حکومت صفویه، تقدیم رشوه به شاه با اهداف و مقاصد مختلف در امور مختلف اهمیت ویژه‌ای یافت. به نظر می‌رسد در دورهٔ اول حاکمیت صفویان، تقدیم رشوه در توسعه و تحکیم حکومت، جلوگیری از جنگ و ناامنی، تمرکزگرایی و نمایاندن شکوه و عظمت شاهان صفوی نقش بسزایی داشت. براساس شواهد موجود، شاهان صفوی به‌ویژه شاه‌اسماعیل (و به میزان کمتری جانشینان او تا پایان عهد شاه‌عباس) از این رویه برای تحکیم جایگاه خود بهره بردند. درواقع در مناسبات شاهان عصر اول حاکمیت صفویان با مخالفان و شورشیان داخلی، تقدیم رشوه تأثیر زیادی در نحوهٔ تعامل و چگونگی برخورد با آنها داشت. بر مبنای همین رویه، شاهان صفوی با استفاده از رشوه‌های تقدیمی، برای نمایش قدرت و همچنین بازنمایی شوکت و ثروت خود اقدام می‌کردند و با رفتار خود جایگاهشان را به عنوان کسی که در رأس ساختار قدرت صفویان قرار داشت، به همگان متذکر می‌شدند. از طرفی نوع نگاه دربار به رشوه‌های تقدیمی عامل مهمی در پیشبرد مقاصد سیاسی در مناسبات درون حکومتی بود؛ به‌طوری که در بسیاری از مواقع ابراز خواسته‌های گوناگون از طرف بزرگان و صاحب‌منصبان، در پس رشوه‌های تقدیمی جلوه‌گر می‌شد و به نوعی تقدیم انواع رشوه‌ها به دربار، تلاشی برای رساندن مقصود به شاه و دربار محسوب می‌شد؛ تا جایی که اهمیت این موضوع اقلیت‌ها و به‌طور خاص ارامنهٔ جلفا را وارد این چرخه کرد. از این رو تقدیم رشوه در تعاملات سیاسی عصر صفوی بنا بر انگیزه‌ها، خواسته‌ها و اهداف تقدیم‌کنندگان، سهم چشمگیری در تبعات اقتصادی و اجتماعی داشت؛ به‌طوری که ابراز خواسته‌های صاحب‌منصبان با تقدیم رشوه و در پی آن نیاز به حمایت افراد ذی‌نفوذ درباری، باعث به وجود آمدن چرخه‌ای از فسادهای اقتصادی می‌شد که طی آن مبالغ زیادی به عنوان رشوه ردّ و بدل می‌گشت. این عمل نتایج زیان‌بار دیگری به دنبال داشت؛ چنان‌که صاحب‌منصبان برای تقدیم رشوه‌ها و رشوه‌های تقدیمی، رعایای تحت امر خود را در مضیقه قرار می‌دادند و با اعمال فشار بر آنها هزینه‌های مذکور را تأمین می‌کردند. از طرفی آگاهی صاحب‌منصبان به علایق شاهان صفوی،

پیامدهای زیان‌باری در عرصهٔ اجتماعی نیز به همراه داشت؛ به گونه‌ای که علاقهٔ شاهان صفوی به زیبارویان باعث می‌شد تمام ارکان حکومتی به منظور رسیدن به مقاصد خود، دختران و زنان را با نارضایتی به شاه رشوه کنند.

منابع و مآخذ

- افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نقاوة الاثار فی ذکر الاخیار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی هروی، امیرصدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی*، تصحیح، تعلیق، توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۹)، *سفرنامه آدام اولئاریوس*، ترجمهٔ محمدحسین کردبچه، ج۲، تهران: کتاب برای همه.
- بیات، اوروج‌بیک (۱۳۳۸)، *دون ژوان ایرانی*، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، با حواشی و یادداشت‌هایی از لسترنج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۹۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمهٔ ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، زیر نظر و مقدمه ایرج افشار، ج۱، ۲، تهران: امیرکبیر.
- جنابذی، میرزابیگ (۱۳۷۸)، *روضة الصفویة*، به‌کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- *جهانگشای خاقان* (۱۴۰۶ق)، با مقدمه و تصحیح الله دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- خواجگی اصفهانی، محمدمعصوم (۱۳۶۸)، *خلاصة السیر (تاریخ روزگار شاه‌صفی)*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین‌بن همام‌الدین (۱۳۸۰)، *حبیب السیر*، با مقدمهٔ جلال‌الدین همایی، ج۴، تهران: خیام.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه، شرح و حواشی شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، ج۱-۴، ۷، ۸، ۱۵، تهران: دانشگاه تهران.
- روملو، حسن‌بیک (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج۱، تهران: بابک.

- سانسون (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه‌سلیمان صفوی)*، به کوشش و ترجمهٔ تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا.
- *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* (۱۳۸۱)، ترجمهٔ منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲-۱۳۷۵)، *سفرنامه شوالیه شاردن*، ترجمه اقبال یغمائی، ج۱-۴، تهران: توس.
- شاملو، ولی‌قلی‌بن داوودقلی (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تصحیح و پاورقی سید حسن سادات ناصری، ج۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- *عالم‌آرای شاه‌طهماسب* (۱۳۷۰)، به کوشش ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.
- *عالم‌آرای صفوی* (۱۳۵۰)، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳)، *تاریخ جهان‌آرا*، تهران: حافظ.
- فلور، ویلم (۱۳۹۸)، *اولین سفرای ایران و هلند (شرح سفر موسی بیک سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران*، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابی، تهران: طهوری.
- فن دریابل، ژرژ تکتاندر (۱۳۵۱)، *ایتر پرسیکوم*، ترجمهٔ محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیدالگو، گریگوریو پری یرا (۱۳۵۷)، *گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی*، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوبن، تهران: دانشگاه تهران.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمهٔ غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قبادالحسینی، خورشاه (۱۳۷۹)، *تاریخ ایلچی نظام‌شاه (تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ق)*، تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات محمدرضا نصیری و کوهیچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کارری، جووانی فرانچسکو جیملی (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمهٔ عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، [بی‌جا]: وزارت فرهنگ و هنر، ارشاد کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- مرعشی، میر تیمور (۱۳۶۴)، *تاریخ خاندان مرعشی مازندران*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: اطلاعات.
- مشیزی بردسیری، میر محمدسعید (۱۳۶۹)، *تذکرهٔ صفویهٔ کرمان*، با مقدمه، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ معین*، گردآوری عزیزالله علیزاده، ج۱، تهران: آدنا.
- ممبره، میگله(۱۳۹۷)، *سه سفرنامه*، ترجمه و تحلیل حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد (۱۳۹۸)، *تاریخ عباسی (روزنامه ملا جلال)*، تصحیح مقصودعلی صادقی، تهران: نگارستان اندیشه.
- منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳)، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، *خلدبرین (ایران در روزگار صفویان)*، به کوشش میر هاشم محدث،

تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹) *عباسنامه (شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه‌عباس‌ثانی)*، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک: فروردین.

List of sources with English handwriting

- Afushteh-e Natanz, M. b. H. (1994). Naghaveh al-Athar fi Zikr al-Akhiyar (E. Eshraghi, Ed.). Tehran: Elmi va Farhangi. **[In Persian]**
- Âlam Ârâ-ye Safavi (1350), ed. By Yadullah Kurdi, Tehran: Enteshârât-e Bonyâd-e Farhang-e Iran. **[In Persian]**
- Bayat, O. (1959). Don Juan Irani (M. R. Najafnia, Trans.; with notes by L. Strange). Tehran: Book Translation and Publication Company. **[In Persian]**
- Careri, Giovanni (1348), Safarnâme-ye Careri, translated by Abbas Nakhjavani, Abdul Ali Kârang, Edâreye Ershâd Farhang va Honar-e Azarbaijayân. **[In Persian]**
- Chardin, Jean (1375-1372), Safarnâmeh-ye Chardin, translation by Iqbal Yaghmai, vol 1, 2, 3, 4, Tehran: Toos. **[In Persian]**
- Dalsandri, Vinchento (1381), A Narrative of Italian travels in Persia traslation by Manouchehr Amiri, Tehran: Khwarazmi. **[In Persian]**
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377), Loghat Nameh. Ed. By Mohammad Moin and Jafar Shahidi, Vol.4, Tehran: University of Tehran. **[In Persian]**
- Della Valle, Pietro (1370), Travelogue, Persian translation by Shojauddin Shafâ, Tehran: Enteshârât-e Elmi va Farhangi. **[In Persian]**
- Fidalgo, Gregorio (1357), Translation and edit by Aubin, Tehran: Enteshârât-e Dâneshgâh-e Tehrân. **[In Persian]**
- Figueroa, D. G. de Silva. (1984). The Travelogue of Figueroa (G. Sami'i, Trans.). Tehran: New Publicatin. **[In Persian]**
- Flor, W. (2019). The first ambassadors of Iran and the Netherlands: The travelogue of Musa Bey, ambassador of Shah Abbas to the Netherlands, and the travelogue of Jan Smith, ambassador of the Netherlands in Iran (D. Majlesi & H. Abutalebi, Eds.). Tehran: Tahouri. **[In Persian]**
- Ghafari Qazvini, Q. A. (1964). Taarikh-e Jahanara. Tehran: Hafez. **[In Persian]**
- Heravi, Amir Sadr al-Din Ebrahim Amini (1383), Fotoufât-e Shâhi, ed. By Mohammad Reza Nasiri, Tehran: Anjoman-e Âsâr va Mafâkher-e Farhangi. **[In Persian]**
- Jahângoshâ-ye Khâqân, ed. By Allâhdatta Mutzar, Enteshârât-e Markaz-e Tahghighât-e Iran va Pakistan. **[In Persian]**
- Janâbadi, Mirzabeyg (1378), Rowzah al- Safaviyeh, ed. By Gholamreza Tabatabai Majd, Tehran: Enteshârât-e Ababi, Tarikhi-e Mowghufât-e Mahmud Afshar Yazdi. **[In Persian]**
- Kempfer, E. (1984). The Travelogue of Kempfer (K. Jahandari, Trans.). Tehran: Kharizmi. **[In Persian]**

- Khâjagi Esfahani, Mohammad Masoom (1368), Kholâsat Os-Siyar ed. By Iraj Afshar, Tehran: Enteshârâte Elmi. **[In Persian]**
- Khwandamir, G. (2001). Habib al-siyar (Vol. 4). J. Homayi (Ed.), M. Dabir-Siyaghi (Text Editor). Tehran: Khayyam. **[In Persian]**
- Khwandamir, G. b. H. (2001). Habib al-Siyar (J. Homaei, Intro.; M. Dabir-Siyaghi, Ed.). Tehran: Publisher Not Specified. **[In Persian]**
- Marashi, M. T. (1985). The history of the Marashi family of Mazandaran (M. Sotoudeh, Ed.). Tehran: Ettela'at. **[In Persian]**
- Membere, M. (2018). Three travelogues(Tatili, R. B., Tenreiro, A., & Membere, M) (H. Javadi & W. Flor, Trans.). Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Foundation. **[In Persian]**
- Moein, Mohammad (1381), Farhang Moein, compiled by Azizullah Alizadeh, Volume 1, Tehran: Adna. **[In Persian]**
- Monajem Yazdi, Mullah Jalaluddin (2018), Târikh- e Abbasi, ed. By Maqsood Ali Sadeghi, Tehran: Nagâristan - e Andisheh. **[In Persian]**
- Monshi Qomi, Q. A. (2004). Kholasa al-tawarikh (E. Eshraqi, Ed.) (2 Vols.). Tehran: University of Tehran Press. **[In Persian]**
- Moshizi Bardesiri, M. S. (1990). Tazkireh-ye Safavieh Kerman (B. Parizi, Intro. & Ed.). Tehran: Elm. **[In Persian]**
- Olearius, Adam (1369), Adam Olearius' travelogue, translated by Mohammad Hossein Kordbacheh, Tehran: Kitab Baray-e Hameh. **[In Persian]**
- Qobad al-Hosseini, Khorshâh (1379), Tarikh-e Ilchi- e Nizam Shâh, ed. By Mohammad Reza Nasiri, Kohichi Haneda, Tehran: Anjoman-e Âsâr va Mafâkher-e Farhangi. **[In Persian]**
- Rumlu, Hassan Beyg (1357), Ahsan al-Tavarikh, ed. By Abdul Hossein Navaei, vol 1 Tehran: Bâbak. **[In Persian]**
- Sanson Nicolas (1346), Safarnâme-ye Sanson, ed. And translation by Taghi Tafazoli. **[In Persian]**
- Shâmlou, Vali Qoli Bin Dâvoud Gholi (1371), Qesas al-Khâqâni, ed. By Seyyed Hassan Sâdât Nâseri, vol 1 Tehran: Sâzmân-e Châp va Enteshârât-e Vezârat-e Farhang va Erhsâd-e Eslami. **[In Persian]**
- Tavernier, J. B. (2020). The Travels of Tavernier (A. Nouri, Trans.; revised and edited by H. Shirani). Tehran: Sanaei. **[In Persian]**
- Ternero, A. (2018). Three Travelogues: Rabbi Benjamin of Tudela, Antonio Ternero, Miguel Membre (H. Javadi & W. Flor, Trans.). Tehran: Publisher Not Specified. **[In Persian]**
- Turkaman, Eskanderbeyk (1350), Târikh-e Âlam Ârây-e Abbasi, ed. By Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Vahid Qazvini, M. T. (1950). Abbasnameh: A description of the 22-year reign of Shah Abbas II (E. Dehghan, Ed. & Annot.). Arak: Farvardin. **[In Persian]**
- Vâleh Esfahâni, Mohammad Youssef (1372), Khold-e Barin, ed. By Mirhashem Mohadith,

Tehran: Enteshârât-e Ababi, Tarikhi-e Mowghufât-e Mahmud Afshar Yazdi. **[In Persian]**
- Van Driabel, G. T. (1972). Iter Persicum (M. Tafazoli, Trans.). Tehran: Foundation of Iranian Culture. **[In Persian]**